



A Comparative Analysis of the Cultural and Economic Measures Taken by *Muhammad-'Alī Mirzā Dawlatshāh* and *Imāmqolī Mirzā 'Imād al-Dawlah* in Kermanshah

Ghobad Rade, PhD Candidate, Post-Islamic Iranian History, Department of History, Islamic Azad University, Sanandaj branch, Sanandaj, Iran

Dr. Mohammad Qorban Kiany (Corresponding Author), Assistant Professor, Department of History, Islamic Azad University, Sanandaj branch, Sanandaj, Iran

Email: mohammad.kiany@yahoo.com

Dr. Mohammad Sheikh Ahmadi, Assistant Professor, Department of History, Islamic Azad University, Sanandaj branch, Sanandaj, Iran

Dr. Sajjad Dadfar, Associate Professor, Department of Historical Studies, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran

Abstract

Kermanshah owes its reconstruction after the complete destruction by the Mongols to the *Zanganīh* family, especially *Shaykh 'Alī Khān Zanganīh*, the governor of the city, who later rose to the position of the Prime Minister of Safavids. However, the modern identity and social, religious, and urban structures of the city are indebted to the rule of *Dawlatshāh* and his descendants during the *Qājār* era. *Dawlatshāh's* actions were not limited to architecture and construction, but also included the influential presence of the clergy, cultural transformations, the presence of merchants, the presence of Persian poets from other Iranian cities, and the alignment of the people of Kermanshah with the central government in comparison to the situation in other Kurdish regions. *Dawlatshāh's* death and *Muhammad Shāh's* animosity towards his descendants brought about another fall into a period of decline and inactivity for Kermanshah, until *Nāṣir al-Dīn Shāh* rose to power. During this time, the city flourished again due to the efforts of *'Imād al-Dawlah*, one of *Dawlatshāh's* sons. In this context, the following questions arise: What were the cultural and economic measures taken by the two rulers in Kermanshah? and how do the conditions of Kermanshah compare during the reign of each ruler? The present study aims to explore these questions using the analytical-descriptive approach and historical data.

Keywords: *Qājār* era, Kermanshah, *Dawlatshāh*, *'Imād al-Dawlah*, cultural initiatives, economic initiatives, comparative analysis





HomePage: https://jhistory.um.ac.ir	۱۰۵ - ۱۲۸ - ص ۱۴۰۳، پاییز و زمستان ۱۱۳ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۱۳	
شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۴۳۴۱	شاپا چاپی X ۷۰۶ - ۲۲۲۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹
DOI: https://doi.org/10.22067/jhistory.2024.87807.1302	نوع مقاله: پژوهشی	

بررسی تطبیقی اقدامات فرهنگی و اقتصادی

محمدعلی میرزا دولت‌شاه و امام‌قلی میرزا عمادالدوله در کرمانشاه

قباد رده

دانشجوی دکتری ایران بعد از اسلام گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

دکتر محمد قربان کیانی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

Email: mohammad.kiany@yahoo.com

دکتر محمد شیخ احمدی

استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

دکتر سجاد دادفر

دانشیار گروه علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

چکیده

بازسازی شهر کرمانشاه پس از ویرانی کامل آن به دست مغولان مرهون خاندان زنگنه به‌ویژه شیخعلی خان زنگنه حاکم کرمانشاه است که مدتی پس از آن به مقام صدراعظمی صفویان رسید، اما هویت جدید و ساختار نوین اجتماعی، دینی و شهری کرمانشاهان و ام‌دار حاکمیت دولت‌شاه و فرزندان در دوره قاجاریه است. اقدامات دولت‌شاه صرفاً به معماری و ساخت ابنیه محدود نبود، حضور تأثیرگذار روحانیت، تغییرات فرهنگی، حضور تجار، شاعران پارسی‌زبان از سایر شهرهای ایران و هم‌گرایی مردم کرمانشاه در قیاس با سایر مناطق کردنشین با دولت مرکزی از نتایج حاکمیت مقتدرانه دولت‌شاه بود. با مرگ دولت‌شاه و عداوت محمدشاه با فرزندان وی، کرمانشاه دوباره در سرایشی رکود و انحطاط افتاد تا اینکه در دوره ناصرالدین شاه و در سایه اقدامات عمادالدوله از فرزندان دولت‌شاه، توانست دوباره سر برآورد. این سوال مطرح می‌شود که اقدامات فرهنگی و اقتصادی این دو حاکم در کرمانشاه چگونه بوده است و وجه تشابه و تمایز مهم وضعیت کرمانشاه در این زمینه در دوران دو شخصیت ذکر شده شامل چه موارد مهمی است؟ در این مقاله با روش تحلیلی و توصیفی و به کمک داده‌های تاریخی به این مهم پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: قاجاریه، کرمانشاه، دولت‌شاه، عمادالدوله، اقدامات فرهنگی، اقدامات اقتصادی، مقایسه تطبیقی.

مقدمه

در زمان روی کار آمدن قاجارها، سرحدی بودن جغرافیای کرمانشاهان و هم‌جواری آن با عتبات عالیات و همچنین ساختار عشیره‌ای آن، بستر مناسبی برای ابراز شایستگی و لیاقت شاهزاده محمدعلی میرزا حاکم کرمانشاهان فراهم کرد. از آنجا که وی خود را برای ولیعهد بودن لایق‌تر می‌دانست، تلاش کرد در ایالت کرمانشاهان شایستگی خویش را در تقابل با عباس میرزا نشان دهد. حکومت مقتدرانه و اقدامات سیاسی، فرهنگی و مذهبی دولت‌شاه در تقابل با دولت عثمانی و روسای عشایر کُرد منطقه، باعث هم‌گرایی عشایر این دیار با حکومت مرکزی گردید. «محمدعلی میرزا دولت‌شاه تقریباً همان کاری را که برادرش نایب السلطنه، در آذربایجان انجام می‌داد، در سطحی محدودتر، در ایالت کرمانشاهان آغاز کرد. او مردم را متحد کرد و شهر کنونی را از نو بنا نهاد. دو افسر فرانسوی به اسامی «دکور» و «دوو» ماموریت یافتند به سازمان نظامی زیر فرمان او، سر و سامانی بدهند».^۱ اغلب منابع معاصر قاجارها برآنند که شکل‌گیری شهر کرمانشاه مرهون اقدامات شاهزاده محمدعلی میرزا بود و از دوران ساسانیان تا دوره قاجاریه این جغرافیا روی آبادانی ندیده است.^۲

مرگ نابه‌هنگام دولت‌شاه و سپس روی کار آمدن محمدشاه قاجار فرزند عباس میرزا، باعث شد که فرزندان و خانواده دولت‌شاه مورد غضب و عداوت محمدشاه قرار گیرند.^۳ خاندان دولت‌شاهی در دوره ۱۴ ساله حکومت محمدشاه قاجار، کاملاً از مناصب حکومتی دور بودند.^۴ با روی کار آمدن ناصرالدین شاه، به دعوت وی امام‌قلی میرزا به تهران رفت و در قصر گلستان حضور شاه بار یافت.^۵ امام‌قلی میرزا در سال ۱۲۶۸ ق به حکومت کرمانشاه منصوب گشت.^۶

بیان مسئله

با توجه به حاکمیت دولت‌شاه و عمادالدوله در کرمانشاه این مسئله مطرح می‌شود که سیاست‌ها و اقدامات فرهنگی ایشان به چه صورتی بوده است و چه تمایز و تفاوت‌هایی با هم داشته است. زمانه و شرایط اجتماعی و جایگاه دولت‌شاه و عمادالدوله دارای تفاوت‌های زیادی بوده است. از جمله دولت‌شاه از طرف

۱. اوین، ایران امروز، ترجمه علی اصغر سعیدی، ۳۳۹.

۲. گروه، سفرنامه گروه، ترجمه مجید جلیلود، ۹۲.

۳. رضاقلی میرزا، سفرنامه، ۳۷.

۴. سپهر، ناسخ التواریخ، ۵۲۵/۱.

۵. فرمانفرمایان، زیر نگاه پدر (خاطرات مهرماه فرمانفرمایان از اندرونی)، ۲۷.

۶. خورموجی، زهت الاخیار، ۱۱۲.

پدرش به حاکمیت منصوب گشت و خود را لایق مقام ولیعهدی می‌دید و با توجه به ویژگی‌های شخصیتی که داشت، نقش قدرتمندی در مواجهه با دولت عثمانی ایفا کرد و در هویت مذهبی کرمانشاه و نیز شکل‌گیری شهرنشینی کرمانشاه عامل مؤثری بود. با روی کار آمدن عمادالدوله جایگاه وی در آغاز چندان قوی نبود. وی برای رهایی از عداوت محمدشاه قریب به دوازده سال به کرمان رفت و تنها با مرگ وی بود که توانست خود را به ناصرالدین شاه معرفی کند و لذا با وجود داشتن جایگاه مهم در حکومت ناصرالدین شاه، دیگر یک فرد منصوب بود تا اینکه یک شاهزاده با اختیارات بیشتر در قیاس با پدرش به شمار آید.

تاکنون تحقیقی مستقل درباره این موضوع صورت نگرفته است ولی با مضامین مشابه در ارتباط با محمدعلی میرزا دولت‌شاه و عمادالدوله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

اردشیر کشاورز در کتاب زندگی و زمانه محمدعلی میرزای دولت‌شاه به موارد مهمی از زندگی دولت‌شاه پرداخته است. با این وصف چنین اثر قطوری بیشتر رویکرد توصیفی دارد و درباره اقدامات فرهنگی محمدعلی میرزا بسیار کم و محدود و به‌طور کلی به مسئله اشاره کرده است.

اردشیر کشاورز در کتاب زندگی و زمانه امامقلی میرزای عمادالدوله، به زندگی عمادالدوله پرداخته است. نویسنده در این اثر به وقایع سیاسی پرداخته است. در این اثر نویسنده بیشتر بر شخصیت عمادالدوله تمرکز کرده است. با توجه به اینکه نویسنده در دو کتاب ذکر شده نظری مساعد و موافق با دولت‌شاه و عمادالدوله داشته است می‌توان گفت دیدگاه ایشان نسبت به اقدامات این شخصیت‌ها منتقدانه نبوده و او از این دو حاکم دفاع کرده است.

نویسندگان در مقاله «اقدامات امنیتی-انتظامی محمدعلی میرزا دولت‌شاه در غرب کشور»^۷ با اشاره به رقابت میان دولت‌شاه و عباس میرزا بر آن است که حکمرانی در غرب کشور به مرکزیت کرمانشاه فرصت مغتنمی را در اختیار محمدعلی میرزا قرار داد و او با اقدامات امنیتی و نظامی متعدد، خود را به یکی از قدرتمندترین شاهزادگان غرب کشور و رقیب جدی عباس میرزا تبدیل کرد و با اقدامات داخلی و خارجی متعدد در پی تبدیل حاکمیت کرمانشاهان به حاکمیت سرتاسر ایران بود.^۸ موضوع مقاله یادشده اقدامات امنیتی و نظامی محمدعلی میرزا است و لذا نویسندگان به سایر اقدامات وی در زمینه‌های مختلف و همچنین اقدامات عمادالدوله توجهی نداشته‌اند.

۷. آقازاده، جعفر؛ خوش‌آب، فرزاد و سجاد حسینی. «اقدامات امنیتی-انتظامی محمدعلی میرزا دولت‌شاه در غرب کشور». فصلنامه علمی ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی، سال هشتم، ش. ۲۸ (۱۴۰۰): ۱۰۳-۱۲۲.

۸. همان، ۴۳-۴۲.

مقاله «خاندان دولت‌شاهی در مواجهه با عثمانی»^۹ صرفاً به نقش مهم دولت‌شاه در مقابله با دولت عثمانی پرداخته است. حضور قدرتمند دولت‌شاه در اوج نبردها میان ایران و عثمانی و درست در هنگامه نبرد با روسیه باعث شد خاطر دربار از بابت مرزهای غربی آسوده باشد. بنابراین در این مقاله کارکرد نظامی و سیاسی محمدعلی میرزا دولت‌شاه مورد توجه بوده است.

۱- محمدعلی میرزا دولت‌شاه

یکی از ویژگی‌ها و یا امتیازات مهم فتحعلی‌شاه قاجار داشتن فرزندان زیادی بود که توانست به کمک آن‌ها حکومت خود را در مناطق مختلف ایران زمین تثبیت و تداوم بخشد. بنابراین شاهزادگان قدرت و استقلال کافی در مناطق تحت اختیار خود داشتند. فتحعلی‌شاه، محمدعلی میرزا دولت‌شاه را که از عباس میرزا بزرگتر بود به‌عنوان حکمران غرب ایران منصوب کرد.

یکی از تفاوت‌های مهم محمدعلی میرزا با سایر برادرانش در تقابل با عباس میرزا، آن بود که محمدعلی میرزا خود را ولیعهد برحق پدرش فتحعلی‌شاه تصور می‌کرد و چنین تصویری از همان اوان کودکی در وی شکل گرفته بود. در این باره روایتی ذکر شده است که آقا محمدخان قاجار یک شمشیر کهنه را به محمدعلی میرزا داد و از او پرسید که چگونه با این سن کم می‌خواهی از این شمشیر استفاده کنی؟ محمدعلی میرزا در همان کودکی در جواب گفت می‌خواهم در آینده با آن سرت را از تنت جدا کنم و برادرم عباس میرزا را به قتل برسانم، چون شما به من ظلم کردید و او را در مقام ولیعهدی بر من ترجیح دادید! آقا محمدخان دستور داد او را بکشند که با پادرمیانی اطرافیان بخشیده شد.^{۱۰} مورخان دلیل عمده ترجیح عباس میرزا به محمدعلی میرزا را در تفاوت میان نسب مادری آن دو نفر ذکر کرده‌اند. مادر عباس میرزا از قاجاریه بود درحالی‌که مادر محمدعلی میرزا یک کنیز گرجی بود.^{۱۱} برخی مورخان سرآغاز حضور محمدعلی میرزا در کرمانشاه را به گرایش امرای کُرد بابلان در سلیمانیه به دولت قاجاریه می‌دانند. حکمرانان سلیمانیه و شهرزور را حکمران بغداد با موافقت ایران برمی‌گزید. در سال ۱۲۲۱ق که عبدالرحمن پاشا بابلان به جای ابراهیم پاشا نشست، علی پاشا حکمران بغداد او را از شهرزور بیرون کرد. مخالفت حکمران بغداد با درخواست فتحعلی‌شاه مبنی بر تأیید حکمرانی عبدالرحمن

۹. خاکسار بلداجی، ابراهیم و علی اکبر کجیاف. «خاندان دولت‌شاهی در مواجهه با عثمانی». فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال شانزدهم، ش. ۶۳ (۱۳۹۴): ۵۷-۸۰.

۱۰. عضدالدوله، تاریخ عضدی، ۱۴۱.

۱۱. سپهر، ناسخ‌التواریخ، ۵۴۴/۱؛ خاوری، تاریخ ذوالقرنین، ۹۷۳/۳.

پاشا موجب جنگ میان عثمانی و ایران شد و فرماندهی این جنگ با محمدعلی میرزا دولتشاه بود.^{۱۲}

۲- امامقلی میرزا عمادالدوله

برخی محققان معتقدند که امیرکبیر، امرای زنگنه را بر شاهزادگان قاجار ترجیح می‌داد و لذا تا زمانی که وی بر منصب قدرت بود، عمادالدوله نتوانست حاکمیت کرمانشاه را به دست آورد و این اتفاق پس از به قتل رسیدن امیرکبیر رخ داد و برای تأیید گفته‌های خویش به ارتباط حسنه عمادالدوله با مهدعلیا و میرزا آقاخان نوری اشاره می‌کنند و یا از انتساب پدر امیرکبیر به جغرافیای کرمانشاهان و رابطه نزدیک وی با امرای متنفذ زنگنه بحث کرده‌اند.^{۱۳} به نوشته سپهر^{۱۴} به نوشته سپهر عمادالدوله در تهنیت خلع امیرکبیر و انتصاب میرزا آقاخان نوری یک دویتی به زبان عربی سروده است.^{۱۴} به نوشته کرمانی «میرزا تقی خان امیر نظام پدرش از معاریف الناس و در خدمات میرزا ابو القاسم قائم مقام اجتماع حواس معروف می‌داشت چون قائم مقام در ناصیه میرزا تقی خان آثار رشد و شمائل شهامتی تفرس کرد آن را در عداد نویسندگان خویش معدود نمود و از آن پس چندی در سلك محررین محمد خان زنگنه امیر نظام منسلک گردید بسبب جوهر ذاتی و کاردانی باندک مدت از امثال و اقران خویش قصب السبق ربوده بمناسب عالییه رسید مستوفی نظام شد».^{۱۵}

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۸ق با عزل اسکندرخان، عمادالدوله را جانشین وی ساخت. این شخص حکومتی خردمندانه و عادلانه برقرار کرد. بازرگانی و صنعت شهر را رونق و ایالت را از قید مالیات‌های سخت و بی‌مورد رهائی بخشید.^{۱۶} عمادالدوله تا سال ۱۲۸۸ق حاکمیت خود بر کرمانشاهان حفظ کرد. وی در مسافرت اول ناصرالدین شاه به اروپا در سال ۱۲۹۰ق حضور داشت و پس از بازگشت به ایران، از طرف ناصرالدین شاه به‌عنوان وزیر عدلیه در هیئت وزیران شش نفره انتخاب شد.^{۱۷} عمادالدوله تا اوائل ۱۲۹۱ق در سمت مزبور باقی بود. در این سال دوباره به سمت حکومت کرمانشاه و کردستان منصوب شد. در سال ۱۲۹۲ق عمادالدوله درگذشت و حشمت السلطنه با دادن پیشکشی به جای پدر خود به حکومت

۱۲. هدایت، روضه الصفای ناصری، ۷۶۳۰-۷۶۲۷.

۱۳. سلطانی، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ۴-۳۳۸/۵.

۱۴. سپهر، نسخ التواریخ، ۱۱۵۸/۳.

قلوبهم نفورا فی السدهور
تراجمت القلوب السی السدهور

- و من كانت عن صدر الناس حزنا
ولما صرت بالاقبال صدرا

۱۵. کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ۵۰/۱.

۱۶. پایندر، کردستان بین النهرین و ایران، ۴۰۱.

۱۷. اعتمادالسلطنه، مرآت البلدان، ۴۰/۱.

کردستان و کرمانشاه منصوب گردید.^{۱۸}

مستوفی درباره میزان علاقه عمادالدوله به حاکمیت کرمانشاه و ترجیح دادن آن به وزارت نوشته است: «عمادالدوله که هر وقت می‌خواست، پای خود را به سمت کرمانشاهان دراز می‌کند و جز پا کشیدن در عمادیه و استفاده از ضیاع و عقاری که خود و پدرش محمدعلی میرزا دولتشاه در آنجا دست‌وپا کرده‌اند، فکری ندارد. علاقه‌ای به این مجلس نشان نمی‌دهد، تا چه رسد به مسئولیت مشترک. بعد از دو سه ماه، عمادالدوله به مقصود خود رسید و به حکومت کرمانشاهان و کردستان امور گشت و هیئت شش نفری، پنج نفری شد».^{۱۹}

۳- اقدامات فرهنگی و مذهبی دولتشاه و عمادالدوله

روی کار آمدن دولتشاه تغییراتی بنیادی در ساختار اجتماعی و گرایش‌های فرهنگی و مذهبی کرمانشاه پدید آورد. اولین پیامد حضور دولتشاه و فرزندان کنار زده شدن حاکمیت بومی بود که از دوره صفویه تاکنون در اختیار خاندان زنگنه بود.

از اواسط دوره شاه عباس اول بود که سران ایل زنگنه توانستند با درایت خود و با بسط نفوذ در دربار شاهان صفوی زمینه‌های قدرت‌گیری خود و خاندانشان را فراهم آوردند.^{۲۰} اولین شخصیتی که از ایل زنگنه در تاریخ دوره صفویه ظهور نموده علی بیگ، مشهور به آلی بالی بیگ زنگنه است.^{۲۱} در عهد شاه عباس دوم شیخ علی خان زنگنه جایگاه والایی داشت. شاه عباس دوم در باب صحت و سقم شایعات مربوط به گرایش‌های سلیمان خان اردلان از شیخ علی خان زنگنه مشاوره خواست.^{۲۲} برای اولین بار در عهد شاه صفی، شاهرخ بیگ زنگنه فرزند آلی بالی زنگنه به حکومت قسمتی از کرمانشاه منصوب شد و «هم در آن اوقات ایالت الکای سنقر و توابع و حکومت ایل کلهر به شاهرخ بیگ امیرآخورباشی پسر اکبر علی بیگ زنگنه مشهور به علی بالی بیگ مفوض و مرجوع و منصب ارجمند امیر آخورباشی‌گری نخستین پله سلّم بلند پایه ترقیات گوناگون شیخ علی بیگ برادر کهنتر وی گردید».^{۲۳} در سال ۱۰۵۰ق با مرگ شاهرخ بیگ زنگنه، برادرش به جای وی منصوب شد.^{۲۴} شیخ علی خان زنگنه که سال ۱۰۴۹ق به جای برادرش به

۱۸. اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ۱۹۵۸/۳.

۱۹. مستوفی، شرح زندگانی من، ۱۳۴/۱-۱۳۵.

۲۰. نوری، «اوضاع سیاسی کرمانشاه در عصر صفویه با تکیه بر ایل زنگنه»، ۴۶.

۲۱. سلطانی، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ۶۵۴.

۲۲. واله قزوینی، ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم، ۵۹۳.

۲۳. همان، ۲۸۲.

۲۴. وحید قزوینی، تاریخ جهان‌آرای عباسی، ۳۰۱.

حکومت کرمانشاهان رسید تا سال ۱۰۷۹ ق که به مقام وزارت اعظمی شاه سلیمان رسید حاکم کرمانشاه بود.

کمپفر آلمانی که معاصر با شاه سلیمان بود به خوبی حضور قوی کردان زنگنه را توصیف کرده است: «شیخ علی خان زنگنه از نژاد کرد است و به طایفه زنگنه تعلق دارد. ... او بهترین مشاغل دولتی را به خویشان خود سپرده است. از دو تن برادر وی که اکنون درگذشته‌اند برادر بزرگتر میرآخور باشی و دیگری بیگلربیگی قندهار بود. از دو پسر او که هر دو جوان مرگ شدند یکی داروغه قزوین و دیگری حاکم کرمانشاه بود و برادرزاده او حاجی علی خان، بیگلربیگی آذربایجان را دارد. بدون اینکه وارد جزئیات امر شوم در اینجا فقط یادآور می‌شوم که قسمت اعظم اداره امور مملکت در دست طایفه‌ای متمرکز شده که وزیر اعظم بدان منسوب است. شأن و شوکت این خاندان اکنون به پایه حشمت و سطوت شخص پادشاه می‌رسد».^{۲۵}

در دوران ضعف و فتور دولت صفوی، ایالت کرمانشاه به یمن وجود خاندان زنگنه که در دربار صفویان نفوذ پیدا کرده بودند و کرمانشاه تیول این خاندان محسوب می‌شد و همچنین صلح میان ایران و عثمانی با عهدنامه ذهاب در سال ۱۰۴۹ ق که مهر پایانی بر درگیری‌های همیشگی میان دو دشمن متخاصم بود، باعث شد کرمانشاه روی آبادانی و ترقی پیشرفت را در خود ببیند.^{۲۶}

محققان و مورخان از قرابت کریم خان زند با ایل زنگنه نوشته‌اند. کریم خان وکیل که به روایت معمرین ایل از مادری زنگنه متولد گردید و قلعه پری در کنار کمازان زیستگاه طوایف زنگنه ملایر بود و دایی او اسحاق خان زنگنه نام داشت.^{۲۷} قرابت و نزدیکی زنگنه و زند به حدی است که برخی محققان کریم خان زند را زنگنه دانسته‌اند.^{۲۸} در دوره کریم خان زند، حاکم کرمانشاه الله قلیخان زنگنه بود.^{۲۹} به نوشته گلستانه «کریم خان به قرب نود هزار خانوار از ایلات بختیاری و زنگنه و وند و لیلای و سایر فرق را در بیرون شهر شیراز و محالات قریبه سکنی داد جوانان آن طایفه را در سلک نوکران جا داد».^{۳۰}

با توجه به مطالب ذکر شده لاجرم آقا محمدخان قاجار نیز که در مقابل حکومت زندیه بود، حکومت خاندان زنگنه را برنمی‌تابید. در دوره کوتاه مدت آقا محمدخان، نفوذ و حمایت آقا محمدعلی مجتهد باعث

۲۵. کمپفر، سفرنامه کمپفر به ایران، ۸۳.

۲۶. نوری، «اوضاع سیاسی کرمانشاه در عصر صفویه با تکیه بر ایل زنگنه»، ۴۷.

۲۷. سلطانی، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان (ایلات و طوایف)، ۶۵۹.

۲۸. آکویف، کردان گوران و مساله کرد در ترکیه، ترجمه سیروس ایزدی، ۷۲.

۲۹. غفاری، گلشن مراد (تاریخ زندیه)، ۳۲۰.

۳۰. گلستانه، مجمل التواریخ، ۳۴۲.

تداوم حاکمیت حاج علی خان زنگنه و جانشین او، مصطفی قلی خان زنگنه شد.^{۳۱} اما عدم حمایت آقامحمدعلی مجتهد و توصیه او مبنی بر برکناری مصطفی قلی خان به فتحعلی شاه باعث برکناری وی شد. علت این اختلاف مربوط به حضور معصوم علی شاه نعمت الهی در کرمانشاه بود. معصوم علی شاه توسط آقا محمدعلی به قتل رسید و مصطفی قلی خان مخالف این کار بود و خود از این قتل مبری کرد.^{۳۲} آقامحمدعلی مجتهد از علمای نامدار آن زمان به شمار می‌آمد. سایه حضور آقا محمدعلی مجتهد بر حاکمان کرمانشاه سنگینی می‌کرد و پس از یک سال حاکم جدید نیز با نام محمد علی خان شامبیاتی از حکمرانی معزول شد.^{۳۳} حاکم جدید این بار از دودمان قاجار منصوب شد و فتحعلی خان قاجار توانست از سال ۱۲۱۳ق تا ۱۲۲۱ق بر کرمانشاه حکمرانی کند و موفقیت این حاکم مرهون پذیرش بی چون و چرای امر ونهی آقا محمدعلی مجتهد بود. آقا محمدعلی مجتهد در همان دوران امارت فتحعلی خان به سال ۱۲۱۶ق در کرمانشاه درگذشت.^{۳۴}

تا قبل از روی کار آمدن دولت‌شاه، کرند مرز ایران و عثمانی بود، چون بنا بر عهدنامه ذهاب مناطق مابین کرند تا خانقین به دولت عثمانی داده شد. ژان اوتر که در دوره نادرشاه از منطقه ذهاب عبور کرده و به کرمانشاه رفته بود. به نوشته وی کرند اولین شهر ایران است و لذا مشخص می‌شود که تا شهر یاد شده در تابعیت دولت عثمانی و امارت کردهای باجلان بوده است: «... در ۱۶ ماه ژوئن به مدت دو ساعت کوه‌های سخت و بلند را پیمودیم و از آن پس چهار ساعت راه رفتیم، تا به کرند رسیدیم. این شهر نخستین آسایشگاه ما در ایران بود».^{۳۵}

بعد از مرگ شاه عباس و در دوره شاه صفی و سلطان مراد چهارم بود که پاشانشین ذهاب با تابعیت دولت عثمانی از خانقین و قصر شیرین تا منطقه کرند گسترده بود. منطقه ذهاب بعد از آنکه سلطان مرادخان رابع بغداد را گرفت، به ایالت بغداد ملحق شد و ذهاب توسط سلطان مراد چهارم به ابدال بیک باجلان داده شد.^{۳۶} جیمز باکینگهام که در سال ۱۸۱۸م/۱۲۳۳ق از منطقه ذهاب عبور کرده است چنین نوشته است که حاکم شهر «فتاح پاشا» - که خود از کردها است - است و او کل منطقه باجلان - که قسمت عمده جنوب کردستان را تشکیل می‌دهد - را اداره می‌کند و همه کردهای مناطق همسایه تابع قدرت او هستند، درحالی -

۳۱. سلطانی، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ۴-۵/۲۸۴.

۳۲. سلطانی، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ۴-۵/۲۸۹.

۳۳. بهبهانی، مرآت الاحوال جهان‌نما، ۱۵۸.

۳۴. سلطانی، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ۴-۵/۲۹۰.

۳۵. اوتر، سفرنامه ژان اوتر، ترجمه علی اقبالی، ۷۰.

۳۶. گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ۷۵۴/۱-۷۵۷.

که او در این لحظه تابع دولت بغداد بود، با وجود اینکه قبلاً مدت‌ها تحت فرمانروایی ایران بوده است.^{۳۷} کردان اهل سنت باجلان، خانقین تا مرز کرد را در اختیار داشتند و لذا به پشتوانه حکومت عثمانی نفوذ زیادی در میان قبایل کرد پیرامون از جمله جاف، کلهر و گوران داشتند. بر این اساس حضور محمدعلی میرزا دولت‌شاه به حضور تأثیرگذار اهل سنت در آن جغرافیا پایان داد و حتی میدان سیاست خویش را آن سوی مرزها و به جانب کردان بابان در سلیمانیه رساند و والیان بغداد را نیز تحت فشار قرار داد و در واقع این کار توانست بستر مناسبی برای گسترش تشیع در میان کردان اهل سنت و اهل حق فراهم کند. هر چند کردان زنگنه بر مذهب شیعه بودند لیکن وجه تمایز آن‌ها در قیاس با محمدعلی میرزا و فرزندان‌ش استفاده از روحانیت شیعه بومی بود. به‌عنوان مثال خاندان کرد جلیلی کرکوک از نخستین خاندانی بودند که به‌عنوان عالمان شیعه در همان دوران صفوی وارد جغرافیای کرمانشاهان شدند. در زمان حکومت بلند مدت فرزندان شیخ علی خان زنگنه صدراعظم شاه سلیمان صفوی، روند آبادانی کرمانشاهان تسریع شده و زمینه جلب خاندان‌های بیشتری از خوانین و بزرگان ایل زنگنه از کردستان عراق را فراهم نمود.^{۳۸} جد اعلای این خاندان مرحوم آیت الله آخوند ملا عبد الجلیل بن عبد الخلیل زنگنه کرکوک‌کی بوده که برای تحصیل علوم دینی و معارف اسلامی در عنفوان جوانی از کرکوک واقع در شمال عراق عرب به کربلا مهاجرت نموده و سال‌های متمادی از محضر اساتید بزرگ شیعه استفاده کامل برده بود.^{۳۹} ملا عبد الجلیل در سال ۱۱۸۵ق با حمایت حکام و خوانین ایل زنگنه-که در این زمان برای راضی نگاه داشتن پادشاهان ایران از حکومت خود بر کرمانشاه، به تشیع تظاهر می‌کردند- در محله فیض آباد کرمانشاه، اولین مسجد شهر را بنا کردند. ملا عبد الجلیل در ایام پیری اداره مسجد را به آقا محمدعلی بهبهانی سپرد که خود مدت‌ها نزد پدرش در کربلا تلمذ کرده بود.^{۴۰}

با روی کار آمدن محمدعلی میرزا دولت‌شاه روحانیت شیعه از جغرافیای پهناور ایران زمین از قومیت‌های غیر از کرد وارد کرمانشاه شده و در این شهر ساکن گشتند. یکی از اقدامات مهم مذهبی دولت‌شاه و فرزندان‌ش حمایت از روحانی نامدار شیعه و فرزندان‌ش بود. آقا محمد علی کرمانشاهی مجتهد معروف چند سال قبل از حکومت دولت‌شاه وارد کرمانشاه شده بود و فرزندان‌ش به آل آقا مشهور بودند. آنان نقش زیادی در کم‌رنگ نمودن حضور اهل حق در شهر کرمانشاه و یا تغییر مذهب آنان به تشیع داشتند.

۳۷. بکنه‌ها، رحلتی الی العراق، ۲/۲۳۹.

۳۸. کشاورز، زندگان عرصه عشق، ۸۹-۸۶؛ عظیمی، تاریخ تشیع در کردستان، ۳۵۷.

۳۹. سلطانی، تاریخ تشیع در کرمانشاه، ۱۲۹.

۴۰. سلطانی، تاریخ تشیع در کرمانشاه، ۱۳۰؛ عظیمی، تاریخ تشیع در کردستان، ۳۵۷.

برخوردهای تند با یهودیان و مسیحیان و حتی اهل تسنن از دیگر اقدامات خانواده آل آقا در کرمانشاه است.^{۴۱}

درباره تغییر نگرش مذهبی مردم کرمانشاه نسبت به خارجی‌ان نوشته است: «در یکی از این بازارها شاهد رفتار تعصب‌آمیز یک دکان‌دار بودم. آشپز یونانیم که برای ادامه سفرمان مشغول خرید آذوقه بود، به کله‌قندهای جلو مغازه دست زد و کاغذ آبی رنگشان را باز کرد تا از خوبی قندها اطمینان حاصل کند. صاحب مغازه خشمگین شد و با عصبانیت از او خواست که تمام کله‌قندها را بخرد زیرا در اثر تماس با دست‌های او که یک «فرنگی» است، نجس شده‌اند و دیگر نمی‌توان آن‌ها را به هیچ مسلمان مؤمنی فروخت. بر اثر مشاجره این دو، بعد از مدتی، عده‌ای کنجکاو جلوی مغازه جمع شدند. خدمتکار یونانی‌ام که به برتری هوشش اطمینان داشت، رفتار غیر منطقی ایرانی‌ها را به رخشان کشید و گفت: «اگر تماس دست یک فرنگی قندها را کثیف می‌کند، پس شما اصلاً نباید قند بخورید، زیرا تمام قندهایی که در بازارهایتان به فروش می‌رسد، توسط فرنگی‌ها تولید شده است!» به جای جواب قانع‌کننده چند مشت به پهلویش زدند. سرانجام موفق به میانجیگری شدم و خدمتکارم را از نوش جان کردن کتکی مفصل نجات دادم.»^{۴۲}

سردار مقتدر سنجایی نیز در این رابطه می‌نویسد: «مذهب قاطبه ایل سنجایی اهل حق بود. خانواده ما و بعضی از تیره‌های دیگر پیرو مذهب شیعه می‌شوند و این امر از زمان جدم مرحوم حسن خان و پدرم مرحوم شیرمحمدخان صمصام الممالک صورت گرفته است. موجبات آن از طرفی ارتباط دائم با مردم شهر و دوستی با خاندان آل آقا، فرزندان مرحوم محمدباقر بهبهانی و وصلت با خانواده شاهزاده‌ها و از طرف دیگر مسئولیت ممتد حکومت و سرحداری و خدمت به زوار و برپا داشتن مراسم تعزیت عاشورا بوده است.»^{۴۳}

از شخصیت‌های مهم مذهبی که در دوران حکومت محمدعلی میرزا دولت‌شاه در کرمانشاه حضور داشت، شیخ احمد احسائی بود. شیخ احمد احسائی بنیان‌گذار طریقه شیخیه و از شیعیان بحرین بود. وی در رجب ۱۲۲۹ق به هنگام عزیمت به عتبات در کرمانشاه مورد استقبال محمدعلی میرزا قرار گرفت و دو

۴۱. آقا احمد بهبهانی اهتمام خاصی در گرایش سایر مذاهب اسلامی و اقلیت‌های دینی به تشیع داشت. به‌عنوان مثال وی درباره آقاجانی خان مکرری نوشته است: «عالیجاه شوکت دستگاه محب خاندان رسالت و غلام با اخلاص شاه ولایت آقاجانی خان مکرری که به یمن انقاس قدسیه ... از طریق اهل تسنن دست بردار شده مذهب حق اثنا عشریه را اختیار نموده. ...». بهبهانی، مرآت الاحوال جهان‌نما، ۱۸۴؛ گروه، سفرنامه گروه، ترجمه مجید جلیلود، ۹۶؛ floor, *Kermanshah City & Province 1800-1945*, 307.

۴۲. گروه، سفرنامه گروه، ترجمه مجید جلیلود، ۹۶.

۴۳. سنجایی، ایل سنجایی و مجاهدات ملی ایران (خاطرات سردار مقتدر سنجایی)، ۴۳.

سال در کرمانشاه ماندگار شد. در سال ۱۲۳۴ق که از حجاز و عراق بازمی‌گشت بار دیگر در کرمانشاه توقف کرد و تا زمان مرگ محمدعلی میرزا در این شهر ماند و از آن پس به مشهد، قم و اصفهان رفت. محمدعلی میرزا علاقه زیادی به شیخ احمد داشت و یک مستمری سالانه به مبلغ هفتصد تومان به شیخ احمد هدیه کرد.^{۴۴} او تا زمان مرگ دولتشاه در سال ۱۸۲۱م تحت حمایت مالی شاهزاده بود و در کرمانشاه تدریس می‌کرد. بسیاری از علما از اقصی نقاط جهان تشیع برای تحصیل نزد شیخ احمد آمدند و تعالیم او مورد حمایت گسترده قرار گرفت.^{۴۵} میرزا اسماعیل سمنانی در دوره حکومت محمدعلی میرزا دولتشاه به کرمانشاه آمد و ماندگار شد. ایشان نیای خاندان نجومی در کرمانشاه است.^{۴۶} دولتشاه برای فرزندان خویش از آقا سیدابراهیم (فرزند سید محمد باقر موسوی از عالمان نامور عهد خویش) کمک گرفت.^{۴۷} در واقع می‌توان گفت ورود ده‌ها عالم شیعی غیر کرمانشاهی به کرمانشاه بخشی از سیاست دولتشاه و فرزندانش برای ایجاد طبقات حامی خود در برابر ایلات بود.

مهم‌ترین جلوه‌های دین‌داری محمدعلی میرزا را می‌توان در ساخت مساجد مشاهده کرد. دو مسجد مهم و باشکوه دولتشاه و شاهزاده همچنان در شهر کرمانشاه باقی مانده است.^{۴۸} محمدعلی میرزا دولتشاه در سال ۱۲۳۶ق نسبت به اجرای صیغه وقف مساجد مرسوم به مسجد شاه و مسجد دولتشاه و همچنین مسجد نواب از موقوفات همشیره اعیانی خود ام سلمه یا نواب عالیه در کرمانشاه عمل کرده است و وقف حمام، آب انبار، مدرسه طلاب علوم دینی در همین راستا در روستای سرتپه، حواشی تیمچه ملاعباسعلی و نزدیک عمارت‌های دولتی دوازده‌گانه احدائی خود و سربازخانه که به‌عنوان خیرات و باقیات و صالحات مانده است، قابل توجه و بااهمیت است.^{۴۹} از دیگر اقدامات مهم محمدعلی میرزا می‌توان ساخت کاروانسرا در مسیر راه زائران عتبات عالیات و همچنین تعمیر و مرمت و بنای گنبد حرم امام حسن عسکری (ع) اشاره کرد.^{۵۰}

یکی از اقدامات مهم عمادالدوله ساخت مسجدی در مرکز شهر و بازار بود. ناصرالدین شاه در جریان سفر عتبات که از نزدیک مسجد را مشاهده کرده بود در توصیف آن نوشته است: «مسجد عمادالدوله که تازه

۴۴. تکابنی، قصص العلماء، ۴۴.

45. floor, Kermanshah City & Province 1800-1945, 293.

۴۶. سلطانی، تاریخ تشیع، ۴۹۲.

۴۷. تکابنی، قصص العلماء، ۵.

۴۸. گلزاری، کرمانشاهان - کردستان، ۱۵۲.

۴۹. کشاورز، زندگی و زمانه‌ی شاهزاده محمدعلی میرزای دولتشاه، ۳۱۲.

۵۰. ناصرالدین شاه، شهریار جاده‌ها سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات، ۱۶۵.

ساخته و بنای مرتفع دارد و ساعت بزرگ، برای تعیین اوقات شبانه‌روزی نصب کرده است.^{۵۱} بخشی از مسجد نیز به تدریس علوم دینی اختصاص پیدا کرد و در حال حاضر حوزه علمیه امام صادق (ع) نام دارد و قدیمی‌ترین مدرسه علوم دینی در کرمانشاه به شمار می‌آید. عمادالدوله مسجد و مدرسه را به همراه تعداد زیادی مغازه جهت تامین مخارج آن وقف کرد.^{۵۲}

در دوره امامقلی میرزای عمادالدوله، روحانیت به‌عنوان یک طبقه تأثیرگذار در جامعه کرمانشاه حضور خویش را تثبیت کرده بودند و به‌عنوان مثال در سال ۱۲۷۳ ق نقش مهمی در اعزام افواج نظامی عشایری کرمانشاه برای مقابله با انگلیسی‌ها ایفا کردند. با توجه به هجوم انگلیسی‌ها، آقا عبدالله کرمانشاهی و سایر مجتهدین ساکن کرمانشاه با صدور فتوایی امر به بسیج و اعزام نیروهای نظامی عشایری کرمانشاهان کردند.^{۵۳} سیاست‌های دینی دولت‌شاه و عمادالدوله ترویج و تبلیغ مذهب شیعه بود و در این راه روحانیون نامدار را به ورود و اقامت در کرمانشاه دعوت می‌کردند و هر کدام با ساخت مساجد و کلاس‌های دینی بستر و زمینه مساعدی برای حضور موفق و تأثیرگذار روحانیت فراهم می‌کردند. عمادالدوله در دوران حکومت خویش با دستگیری ملا علی اصغر بابی و کشتن تیمور گورانی در قیاس با پدرش شدت و حدت بیشتری در برخورد با سایر گرایش‌های دینی روزگار خویش در کرمانشاه داشت.

شورش تیمورخان گوران یکی از مهم‌ترین وقایع دوره عمادالدوله بود. بر اساس نوشته‌های لسان الملک سپهر مورخ دوره قاجاریه، مردی از گوران قلعه زنجیری با نام تیمور؛ خود را نایب امام زمان خواند و توانست جمعیت زیادی را دعوت کند و «وقت بود که مانند میرزا علی محمد باب خللی بزرگ در دین و دولت اندازد». امامقلی میرزا توانست با فرستادن گروهی از افراد تیمورخان را در بند کشیده و بدون آگاهی طرفدارانش به کرمانشاه بیاورد و در نهایت توسط امامقلی میرزا کشته شد.^{۵۴}

تیمور بانیارانی از مریدان آقا سید حیدر از منطقه گوران در کوهپایه دالاهو بود. وی نزد استادش به کمال رسید و مدعی ظهور گردید. کرامات و خوارق عادت فراوانی از آغاز ظهور تا زمان شهادت برای تیمور نقل می‌کنند.^{۵۵} در واقع تیمور بانیارانی ارتباطی با مذهب بابیه نداشت و از بزرگان آیین یارسان بود که عمادالدوله با تهمت بابیه وی را به سیاست کشانید و مجازات کرد.^{۵۶}

۵۱. ناصرالدین شاه، شهریار جاده‌ها سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات، ۶۰.

۵۲. عظیمی، تاریخ تشیع در کردستان، ۳۸۴.

۵۳. سپهر، ناسخ التواریخ، ۱۴۰۷/۳.

۵۴. سپهر، ناسخ التواریخ، ۱۱۸۰/۳.

۵۵. سلطانی، قیام و نهضت علویان زاگرس، ۱۴۷/۲.

۵۶. کشاورز، زندگی و زمانه‌ی امامقلی میرزای عمادالدوله، ۷۱.

برخی محققان برآنند که چون دو فوج گوران کردند و گوران قلعه زنجیری تقریباً به طور کامل و نیز بیشتر ایل سنجایی پیرو مذهب اهل حق بودند، مواجه نظامی با شورش تیمورخان می توانست تبعات زیان-باری برای حکومت داشته باشد. به همین خاطر عمادالدوله جماعتی از لشکریان قابل اعتمادش را به صورت مخفیانه به نزد تیمورخان فرستاد و آن‌ها پیش از آگاهی مردم و طرفدارانش وی را در بند کرده و سپس به قتل رساندند.^{۵۷}

منابع تاریخی به حضور ملا علی اصغر بابی در کرمانشاه اشاره کرده‌اند که از طرفداران میرزا علی محمد باب بود که «به اغوای مردم روز می گذاشت». این شخصیت با سیاست شاهزاده عمادالدوله بدون هیچ فتنه و خونریزی در غل و زنجیر کشیده به دارالخلافت تهران فرستاده شد.^{۵۸}

از دیگر تمایزات دولت‌شاه و فرزندان او در قیاس با کردان زنگنه ورود شاعران نامداری از شهرهای مختلف ایران به کرمانشاه بود. در دوران زندیه شاعران نامداری همچون الماس خان کندوله‌ای، ملا محمد باقر کلیایی، خانای قبادی، ترکه میرآزاد بخت، زبونی زنگنه، گلشن زنگنه، محمدآقا زنگنه، امیراحمد زنگنه، نظیر زنگنه، ملک بیستون کندوله‌ای، ولی دیوانه، ملا ولدخان گوران، نامی کلهر و نجف کلهر حضور داشتند. در شعر این شاعران در میان قاطبه آن‌ها که بر مذهب شیعه بودند، در کنار ارداتی که به ائمه شیعه (ع) بود و اشعاری که در رثای آن‌ها سروده می‌شد، اغلب شعرها به زبان کردی بود و قالبی کردی بر آن حاکم بود. با وجود آنکه شاعران به زبان پارسی نیز می‌سرودند ولی اشعار کردی بیشتر بود و تا قبل از آن نیز محور ادبیات و اشعار کردی بر سروده‌های مذهبی یارسان بود. در تأیید آن می‌توان به عنوان نمونه به یکی از اشعار خانای قبادی اشاره کرد که البته در قلمرو کردان باجلان و بر مذهب سنت بود، اشاره کرد. وی در شعری آورده است:

جه لای عاقلان صاحب عه قل و دین دانا بزورگان کوردستان زه مین
هه رچه ن مه واچان فارسی شه که رهن کوردی جه شه که ره به ل شیرین ته رهن
یه قینه ن جه ده ور دونیای پر نه ندیش هه رکه س دلشاده ن وه زوان ویش^{۵۹}

الماس خان که از شاعران نامدار و نیز سرداران نظامی سپاه نادر بود، شاهنامه کردی را سروده است و جنگنامه نادر از دیگر آثار وی است. الماس خان آثارش را به زبان هورامی سروده است که در کنار آن از

۵۷. مطلبی، ایلات کرمانشاهان و نقش آن‌ها در قشون ایران عصر قاجار، ۲۰۳.

۵۸. سپهر، ناسخ التواریخ، ۱۱۷۹/۳.

۵۹. خانای قبادی. شیرین و خوسروه، ۱۴.

دیگر گویش‌های کردی همچون سورانی، کلهری و لکی استفاده کرده است. به‌عنوان مثال در یکی از اشعارش دربارهٔ رویارویی کردان با جلان با سپاه نادرشاه سروده است:

شیران ئیران دل نه قهر و قین	رشیان نه زه‌هاو ده‌ست و تیغ کین
وهو ته‌ور ژه زه‌هاو که‌ردشان ده‌مار	سه‌ر نه بان سه‌ر لار له بان لار
ده‌مای قه‌تل قین داوه‌ی دارگیر	ده‌ست که‌ردن وه دیل وه ورده‌و نه سیر
جو جو جو جو خووون خیزی‌ا ژه لافاو	مالا سه‌رو له‌ش چووین لاف‌ه‌ال‌او
ئیرانی ژه قین قه‌سه‌م ژه ی‌ژردن	توخم زی حه‌یات ژه به‌ر نه‌کردن
شیرین مه‌هوشان شوخ باجه‌لان	لول‌وزاده شوور تورک ته‌ر دلان
وه‌خش و‌ال‌پوش گوژین نه کولان	له‌رزان له‌رزانان زه‌رین زه‌نگولان ^{۶۰}

زبونی زنگنه^{۶۱} با کلمات لکی و کلهری، گلشن زنگنه^{۶۲} در کنار سرودن اشعاری به زبان پارسی به زبان کردی نیز سروده است:

پاپوش پوس پا، سرینگام خاکن	خوراکم زوخا‌و، برگم پوشاکن
خدای لایزال تو ویت مزانی	مردن و‌ش‌تیرن لکی زندگانی ^{۶۳}

با روی کار آمدن محمدعلی میرزا دولت‌شاه، یکی از اتفاقات مهم حضور شاعران پارسی‌زبان از شهرهای دیگر ایران زمین بود که کرد نبوده و به زبان پارسی می‌سرودند و در این میان شاعر بودن دولت‌شاه و اغلب فرزندان‌ش یک امتیاز در جذب این شاعران به کرمانشاه بود. دولت‌شاه با وجود داشتن دغدغه‌های فراوان از توجه به علم و ادب غافل نبود و توانسته بود همچون پدرش فتح‌علی شاه درباری با حضور شاعران و عالمان بیاراید. دولت‌شاه توانست با جذب برجستگان علم و ادب و شعر در کنار بازماندگان این اقشار از دوره خاندان زنگنه هسته اصلی یافت شهرنشین کرمانشاه را از مهاجرین مزبور و احیاناً شخصیت‌ها و خاندان‌های بومی که سابقه سکونت ممتد در این سامان داشتند، تشکیل دهد. در این باره می‌توان به خاندان‌های مغضوب دربار قاجاریه مانند بازماندگان حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله کلاتر شیرازی

۶۰. باوه ر، میژووی میرایه‌تی باجه‌لان-مه‌لا محمه‌دی جواترویی، ۴۹.

۶۱. سلطانی، حدیقه سلطانی، ۹۹.

۶۲. سلطانی، حدیقه سلطانی، ۱۴۹.

۶۳. سلطانی، حدیقه سلطانی، ۱۵۰.

و میرزا مهدی خان استرآبادی اشاره کرد.^{۶۴}

از شاعران مهم می‌توان به میرزا محمد از خویشاوندان مهدی خان استرآبادی، حاجی ملاحسن بسمل،^{۶۵} میرزا عبدالباقی اصفهانی،^{۶۶} طایر شیرازی،^{۶۷} اقبال مازندرانی،^{۶۸} الفت نوری-اهل نور مازندرانی،^{۶۹} الهامی کرمانشاهی-که اجدادش اصلاً از علمای بهبهانی بوده-،^{۷۰} غوغای سوادکوهی،^{۷۱} فروغی اصفهانی^{۷۲} و غیره اشاره کرد.

۴- اقدامات اقتصادی دولت‌شاه و عمادالدوله

در دوره دولت‌شاه شهر کرمانشاه در سایه برقراری امنیت و فراهم کردن بستری مناسب برای تجارت جمعیت آن افزایش یافته و در نتیجه این شهر گسترش یافت. بناهایی که توسط وی ایجاد شد باعث شد که شهر کرمانشاه از لحاظ زیبایی با سایر شهرهای ایران برابری کند. مسجد دولت‌شاه که امروزه محل تحصیل طلاب علوم دینی است^{۷۳} و مسجد شازده^{۷۴} از آثار ماندگار دولت‌شاه در رعایت حال مردم و زائران بوده است. دولت‌شاه برای ایجاد و تأسیس بناهای دولتی و مذهبی طی مذاکراتی با کردان شیخوند و رئیس آن‌ها رجبعلی توانست موافقت آن‌ها را جلب نماید و با تملک زمین‌های آن‌ها رقبات وقفی و بناهای دولتی و مذهبی بنا کند.^{۷۵} گسترش امنیت در غرب یکی از اساسی‌ترین عوامل رشد تجارت در کرمانشاه بود و همین باعث ورود مهاجران از شهرهای مختلف ایران به کرمانشاه بود. کرمانشاهی از ادغام اقوامی که در این شهر استقرار یافته‌اند، به دنیا می‌آید: کردان، که تعدادشان زیادتر است، بعد لرها، ترکان آذربایجانی، فارسی‌زبانان حکومت و تاجرهای بازاری، که از اصفهان، شیراز و تبریز به این شهر آمده‌اند.^{۷۶}

تاجران با توجه به گرایش‌های مذهبی خویش، همواره یکی از بانیان برگزاری مراسم مختلف مذهبی و

۶۴. کشاورز، زندگی و زمانه‌ی شاهزاده محمدعلی میرزای دولت‌شاه، ۵۲۱.

۶۵. سلطانی، حدیقه سلطانی، ۳/۲۰۲.

۶۶. کشاورز، زندگی و زمانه‌ی شاهزاده محمدعلی میرزای دولت‌شاه، ۵۲۵.

۶۷. کشاورز، زندگی و زمانه‌ی شاهزاده محمدعلی میرزای دولت‌شاه، ۶۲۱.

۶۸. کشاورز، زندگی و زمانه‌ی شاهزاده محمدعلی میرزای دولت‌شاه، ۶۳۶.

۶۹. کشاورز، زندگی و زمانه‌ی امامقلی میرزای عمادالدوله، ۴۴۰.

۷۰. کشاورز، زندگی و زمانه‌ی امامقلی میرزای عمادالدوله، ۴۴۰.

۷۱. کشاورز، زندگی و زمانه‌ی امامقلی میرزای عمادالدوله، ۴۶۵.

۷۲. کشاورز، زندگی و زمانه‌ی امامقلی میرزای عمادالدوله، ۴۶۵.

۷۳. گلزاری، کرمانشاهان - کردستان، ۱۵۱.

۷۴. گلزاری، کرمانشاهان - کردستان، ۶۲۹.

۷۵. کشاورز، زندگی و زمانه‌ی شاهزاده محمدعلی میرزای دولت‌شاه، ۲۱.

۷۶. اوین، ایران امروز، ترجمه‌ی علی اصغر سعیدی، ۳۴۵.

نیز ساخت تکایا و حسینیه‌ها بودند. چنین کارهایی زمینه هم‌گرایی بیشتر ساکنان کرمانشاه با زائران شیعی را فراهم می‌کرد.^{۷۷} از آنجا که کرمانشاه در مرز با دولت عثمانی موقعیت مهمی در امر تجارت داشت، لذا تجار زیادی از شهرهای مختلف ایران در این شهر ساکن گشتند و برای همیشه در جغرافیای کرمانشاه باقی ماندند. در واقع محور اصلی تجارت کرمانشاه در دست تاجرانی بود که از شهرهایی مانند اصفهان، شیراز، تبریز، یزد و غیره آمده بودند.^{۷۸}

با توجه به موقعیت جغرافیایی کرمانشاه و امنیتی که دولت‌شاه فراهم کرده بود، تجارت گسترش یافت و چنین بستری موجب روی آوردن افراد مهمی به این شهر شد. خاندان سادات که ساکن بغداد بودند از این افراد است. بزرگ این خاندان سید اسماعیل بن سید یس بود که با چهار پسرش در دوره دولت‌شاه وارد کرمانشاه شدند و توانستند حوزه تجارت خویش را از همدان تا بغداد بگسترانند و در سایه نفوذ و قدرتی که به دست آوردند در کرمانشاه مورد احترام دولتمندان ایران و عثمانی بودند. خاندان وکیل الدوله نیز که تحت حمایت دولت انگلیس بودند، دیگر خاندانی بودند که با ورود به کرمانشاه حوزه تجارت خود را گسترش دادند.^{۷۹}

آنچه که درباره اقدامات عمادالدوله در کرمانشاه، در متون تاریخی ثبت شده است بیشتر به خاطر مسافرت‌های ناصرالدین شاه به عتبات عالیات و نیز برخی خارجی‌ها در جغرافیای کرمانشاه است که به توصیف اوضاع اجتماعی، فرهنگی، دینی و اقتصادی آن توجه کرده‌اند. به نوشته فلور «عمادالدوله به فرمانداری خردمند و عادل شهرت داشت. او تجارت و صنعت شهر را رونق بخشید و مالیات‌های سنگین را در استان کاهش داد».^{۸۰} در سال ۱۲۶۶ق به وجود شانزده کاروانسرا در راه‌های کرمانشاه به عتبات اشاره شده است که در تمام سال همواره در خدمت مسافران و زائران بود. البته بخش دیگری از افراد را تاجران مطرح تشکیل می‌داد که اغلب کالاهای انگلیسی را خرید و فروش می‌کردند.^{۸۱}

از تمایزات مهم دوره دولت‌شاه با عمادالدوله می‌توان گفت محور اقدامات دولت‌شاه روابط خارجی و جنگ‌ها و تنش‌های ایران با عثمانی بود و با توجه به جنگ‌های ایران و روس، دولت عثمانی می‌خواست از موقعیت ضعیف ایران در مرزهای خویش از جمله در کرمانشاه استفاده بیشتری را ببرد، لیکن حضور محمدعلی میرزا دولت‌شاه سد راه سیاست‌های آن‌ها شد. پس از مرگ دولت‌شاه و انجام دو معاهده ارزنه الروم،

۷۷. گروته، سفرنامه گروته، ترجمه مجید جلیلود، ۳۵۳.

۷۸. گروته، سفرنامه گروته، ترجمه مجید جلیلود، ۱۹۱.

۷۹. کشاورز، زندگان عرصه عشق، ۸۲۵.

در دوره عمادالدوله تنش های ایران و عثمانی پایان یافته بود و لذا آنچه که در دوره عمادالدوله نمود پرننگی داشت، تمردهای داخلی در ولایات تحت امر عمادالدوله بود.

ویلز کرمانشاه دوره عمادالدوله را چنین توصیف کرده است: «به نظر من شهر خوش آب و هوا و پرنعمت کرمانشاه از لحاظ قیمت ارزاق و خوراکی ارزان ترین شهر ایران است. ... شاهزاده [عمادالدوله] مقتدر و عموی «ناصرالدین شاه» مردی فوق العاده ثروتمند در عین حال حاکمی مقتدر و لایق بود که مردم کرمانشاه لیاقت او در نحوه اداره و امنیت منطقه دوست داشتند ولی با این وجود ثروت زیاد و وجود اختلاف طبقاتی بین او و عوام الناس مانع نزدیکی کامل و احساس صمیمیت واقعی بین او و مردم می گردید».^{۸۲} ادیب الممالک نیز که در دوره عمادالدوله از کرمانشاه دیدن کرده بود، نوشته است که کسی شهری پرنعمت تر از کرمانشاه سراغ ندارد.^{۸۳}

نتیجه گیری

کرمانشاه میدانی برای ابراز وجود و نشان دادن شایستگی محمدعلی میرزا دولتشاه در تقابل با برادرش عباس میرزای ولیعهد بود. دولتشاه از نظر سیاسی در گام اول با حذف خاندان زنگنه از حکمرانی کرمانشاه - که از دوره صفویه در اختیار داشتند - با ورود شاهزادگان قاجار، روحانیان و تاجران از قومیت های مختلف زمینه تغییر بافت اجتماعی کرمانشاه از اکثریت کردی را فراهم کرد. تصرف زهاب و حذف پاشانشین زهاب با مذهب اهل سنت که تابع عثمانی بود، دومین اقدام مهم وی بود. محمدعلی میرزا در مقابله با دولت عثمانی توانست پس از سال ها نفوذ ایران را به نواحی غربی تر ببرد و زهاب را دوباره به قلمرو ایران الحاق کند و در ادامه با حمایت از کردان بابان بالاخص عبدالرحمن پاشا بابان، نفوذ و تسلط کافی بر پاشاهای بغداد داشته باشد. دولتشاه از نظر دینی به عنوان یک حاکم متشرع، رابطه نزدیکی با روحانیت شیعه برقرار کرد و امید داشت چنین وجهی از شخصیت وی نمود قوی تری در قیاس با اقدامات عباس میرزا باشد که توسط عده ای زیادی از قشر روحانیت مورد انتقاد قرار گرفته بود. در ادامه ساخت مساجد، کاروانسراها و تمهیداتی جهت رفاه حال زائران عتبات همگی محوریت مذهبی داشت و در نهایت امنیتی که در منطقه برقرار ساخت موجب حضور روحانیت در کرمانشاه و نیز روی آوردن عده زیادی از تاجران نامدار سایر شهرهای ایران به کرمانشاه شد. اقدامات دولتشاه در جهت ساخت بازارها باعث رشد توسعه اقتصادی در شهر نیز گشت.

۸۲. ویلز، ایران در یک قرن پیش، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، ۱۵۰.

۸۳. ادیب الممالک، سفرنامه ادیب الممالک به عتبات، ۵۷.

با توجه به اینکه عمادالدوله در قیاس با پدرش از نظر سیاسی جایگاهی پایین‌تر داشت، لذا دامنه اختیارات وی محدودتر بود. با توجه به معاهده ارزنه الروم و کاهش تنش‌ها اقدامات عمادالدوله به اوضاع داخلی کرمانشاه محدود شده است. عمادالدوله توانست ایلات متمرکز را سرکوب کند و در مقابل آن‌ها را تحت عنوان افواج بومی وارد ساختار نظامی حکومت خویش کند. سیاست مذهبی عمادالدوله نیز تابعی از اوامر دارالخلافه در تهران به مقابله با اهل حق و گرایش‌های بایبه بود و وی در تقابل با آن‌ها و رهبران اهل حق با خشونت و بدون اغماض برخورد کرد. ساخت مساجد و مدارس دینی توانست به حضور تأثیرگذار روحانیت شیعه تداوم بخشد، سرانجام باید گفت محوریت اقدامات عمادالدوله در ساخت کاروانسرا و گسترش بازار، در واقع موجب گسترش روابط تجاری شد.

فهرست منابع

- آفازاده، جعفر؛ خوش‌آب، فرزاد و سجاد حسینی. «اقدامات امنیتی-انتظامی محمدعلی میرزا دولت‌شاه در غرب کشور». فصلنامه علمی ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی، سال هشتم، ش. ۲۸ (۱۴۰۰): ۱۰۳-۱۲۲.
- آکویف. کردان گوران و مساله کرد در ترکیه. ترجمه سیروس ایزدی. تهران: زوار، ۱۳۸۶.
- ادیب الممالک، عبدالعلی خان. سفرنامه ادیب الممالک به عتبات. به تصحیح مسعود گلزاری. تهران: انتشارات دادجو، ۱۳۶۴.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. تاریخ منتظم ناصری. به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی. تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۷.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. مرات البلدان. به تصحیح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- اوبن، ژان. ایران امروز. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۶۲.
- اوتر، ژان. سفرنامه ژان اوتر. ترجمه علی اقبالی. تهران: سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۳.
- باوهر، نه‌حمه‌د. میژووی میرایه‌تی باجه‌لان-مه‌لا محهمه‌دی جوانزووی. عراق: ناوه‌ندی توپژینه‌وهی میژووی جه‌میل روژبه‌یانی، ۲۰۱۷.
- بایندر، هانری. کردستان بین النهرین و ایران. ترجمه کرامت الله افسر. تهران: انتشارات فرهنگسرا، ۱۳۷۰.
- بکنغهام، جمس. رحلتی الی العراق. ترجمه به عربی سلیم طه التکریتی. بغداد: مطبعه اسعد، ۱۹۶۸.
- تنکابنی، محمد بن سلیمان. قصص العلماء. به کوشش محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی. تهران: نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹.
- خاکسار بلداجی، ابراهیم و علی اکبر کجیاف. «خاندان دولت‌شاهی در مواجهه با عثمانی». فصلنامه تاریخ روابط

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17352010.1394.16.63.3.6>

- خانای قوبادی، شیرین و خوسرهو، به کوشش محمدی مه لا کریم، بغداد: چاپخانه کوری زانیاری کورد، ۱۹۷۵.
- خاوری میرزا فضل الله شیرازی، تاریخ ذو القرنین، به تصحیح ناصر افشارفر، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- خورموجی، میرزا جعفرخان حقایق نگار، نزهت الاخبار، به تصحیح سید علی آل داود، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی، ۱۳۸۰.
- رضا قلی میرزا، سفرنامه، به کوشش اصغر فرمانفرمایی قاجار، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
- سپهر، محمدتقی، ناسخ التواریخ، به کوشش جمشید کیانفر، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.
- سلطانی، محمدعلی، تاریخ تشیع در کرمانشاه، تهران: انتشارات سُها، ۱۳۸۰.
- سلطانی، محمدعلی، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، تهران: مؤسسه فرهنگی نشر سُها، ۱۳۸۱.
- سلطانی، محمدعلی، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان (ایلات و طوایف)، تهران: مولف، ۱۳۷۲.
- سلطانی، محمدعلی، حدیقه سلطانی، تهران: مؤسسه فرهنگی نشر سُها، ۱۳۸۶.
- سلطانی، محمدعلی، قیام و نهضت علویان زاگرس، تهران: مؤسسه فرهنگی نشر سُها، ۱۳۷۶.
- سنجایی، کریم، ایل سنجایی و مجاهدات ملی ایران (خاطرات سردار مقتدر سنجایی)، تهران: انتشارات پردیس دانش، ۱۳۹۳.
- عصداالدوله، احمد میرزا، تاریخ عضدی، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات بابک، ۱۳۷۶.
- عظیمی، کیومرث، تاریخ تشیع در کردستان، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵.
- فرمانفرمایان، مهرماه، زیر نگاه پدر (خاطرات مهرماه فرمانفرمایان از اندرونی)، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۷.
- غفاری، ابوالحسن، گلشن مراد (تاریخ زندیه)، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات زرین، بی تا.
- بهبهانی، آقا احمد بن محمدعلی، مرآت الاحوال جهان نما، به کوشش علی دوانی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- کشاوری، اردشیر، زندگی و زمانه‌ی امامقلی میرزای عمادالدوله، کرمانشاه: نشر سرانه، ۱۴۰۰.
- کشاوری، اردشیر، زندگی و زمانه‌ی شاهزاده محمدعلی میرزای دولت‌شاه، کرمانشاه: ناشر مولف، ۱۳۹۵.
- کشاوری، اردشیر، زندگان عرصه عشق، کرمانشاه: انتشارات طاق بستان، ۱۳۸۲.
- کمپفر، انگلبرت، سفرنامه کمپفر به ایران، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۳.
- گروته، هوگو، سفرنامه گروته، ترجمه مجید جلیلونند، تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۹.
- گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی: دوره قاجاریه، واحد نشر اسناد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹.

- گلزاری، مسعود. کرمانشاهان - کردستان. تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۷.
- گلستانه، ابوالحسن بن محمدامین. مجمل التواریخ. به سعی و اهتمام مدرس رضوی. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.
- مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من. تهران: نشر زوار، ۱۳۴۳.
- مطلبی، مطلب. ایلات کرمانشاهان و نقش آن‌ها در قشون ایران عصر قاجار. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵.
- ناصرالدین شاه. شهریار جاده‌ها سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات. به کوشش محمد رضا عباسی و پرویز بدیعی. تهران: اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲.
- نوری، جعفر. «اوضاع سیاسی کرمانشاه در عصر صفویه با تکیه بر ایل زنگنه». تاریخ پژوهی، سال یازدهم، ش. ۴۱-۴۰ (۱۳۸۸): ۳۹-۵۲.
- واله قزوینی، محمد یوسف. ایران در زمان شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم. به تصحیح محمد رضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۲.
- وحید قزوینی، میرزا محمد طاهر. تاریخ جهان‌آرای عباسی. به تصحیح سید سعید میر محمد صادق. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ویلز، چارلز جیمز. ایران در یک قرن پیش. ترجمه غلامحسین فراگوزلو. تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۶۸.
- هدایت، رضاقلی خان. روضه الصفای ناصری. به تصحیح جمشید کیانفر. تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۳۹.

Floor, Willem. *Kermanshah City & Province 1800-1945*. Washington: DC, Mage Publishers. 2018.

Transliterated Bibliography

Adib al-Mamālik, 'Abd al-'Alī Khān. *Safarnāmah-yi Adib al-Mamālik bi 'Atabāt*. ed. Mas'ūd Gulzārī. Tehran: Intishārāt-i Dādju, 1985/1364.

Āqāzādah, Ja'far va Khushāb, Farzād va Sajād Ḥusaynī. "Iqdāmāt Amniyati-Intizāmī Muḥammad 'Alī Mirzā Dawlatshāh dar Gharb Kishvar". *Faṣlnāmah-yi 'Ilmī Tarvīgī Muṭālī'āt Tārikh Intizāmī*. Yr. 8, no.28 (2021/1400): 103-122.

Akupov. *Kurdān Gūrān va Mas'alah Kurd dar Turkiyah*. translated by Sirūs Izadī. Tehran: Zawwār, 2007/1386.

Aubin, Eugene. *Irān Imrūz*. translated by 'Ali Aṣghar Sa'īdī. Tehran: Kitābfurūshī Zavār, 1983/1362.

'Azīmī, Kiyūmars. *Tārikh Tashayyu' dar Kurdistān*. Tehran: Pāzhūhishgāh Ḥawzah va Dānishgāh,

2016/1395.

‘Azud al-Daulah. Aḥmad Mīrzā. *Tārīkh ‘Azudī*. ed. ‘Abd Ḥusayn Navā’ī. Tehran: Intishārāt Bābak, 1997/1376.

Bāwar, Aḥmad. *Mizhūy Mirāyatī Bajālān, Mlā Muḥammadī Jawānrūyī*. ‘Irāq: Nāwandī Tiwīzhnaway Mizhūy Jamīl Rūzḥbayānī, 2017/1396.

Bihbahānī, Āqā Aḥmad ibn Muḥammad ‘Alī. *Miṣṣat al-Aḥvāl Jahānnumā*. researched by ‘Alī Davānī. Tehran: Intishārāt-i Amīr Kabīr, 1983/1362.

Binder, Henry. *Kurdistān bayn al-Nahriyn va Irān*. translated by Kirāmat Allāh Afsar. Tehran: Intishārāt-i Farhangsarā, 1991/1370.

Buckingham, James. *Riḥlatī ilā al-Irāq*. translated by Salīm Ṭāḥā al-Takrītī. Baghdād: Maṭba‘a As‘ad, 1968/1346.

Farmānfarmāyān, Mihrmah. *Zir Nigāh Pidār: (Khātirāt Mihrmah Farmānfarmāyān az Andarūnī)*. Tehran: Intishārāt Kavīr, 2009/1387.

Ghafārī, Abū al-Ḥasan. *Gulshan Murād (Tārīkh Zandiyah)*. researched by Qulām Rizā Ṭabāṭabā’ī majd. Tehran: Intishārāt Zarīn.

Grothe, Hugo. *Safarnāmah Grothe*. translated by Majīd Jalīvand, Tehran: Nashr Markaz, 1990/1369.

Gulistānīh, Abū al-Ḥasan ibn Muḥammad Amīn. *Mujmal al-Tawārīkh*. ed. Mudaris Raḥavī. Tehran: Mū‘assisa-yi Intishārāt va Chāp University of Tehran, 1965/1344.

Gulzārī, Mas‘ūd. *Kirmānshāhān-Kurdistān*. Tehran: Anjuman Āsar Millī. 1978/1357.

Hidāyat, Rizā Qulī Khān. *Rawḍa al-Ṣafāy Nāsiri*. Ed. Jamshīd Kiyānfar. Tehran: Intishārāt-i Asāṭir, 1960/1339.

‘Itimād al-Salṭānah, Muḥammad Ḥasan Khān. *Miṣṣat al-Buldān*. Ed. ‘Abd al-Ḥusayn Navāyī va Mīr Hāshim Muḥaddīṣ. Tehran: Intishārāt-i University of Tehran, 1990/1368.

‘Itimād al-Salṭānah, Muḥammad Ḥasan Khān. *Tārīkh-i Muntazam-i Nāsiri*. ed. Muḥammad Ismā‘īl Rizvānī. Tehran: Intishārāt-i Dunyā-yi Kitāb, 1989/1367.

Kaempfer, Engelbert. *Safarnāmah Kaempfer bi Irān*. translated by Kaykāvūs Jahāndārī. Tehran, Intishārāt-i Khārazmī, 1985/1363.

Khāksār Baldājī, Ibrāhīm va Kajbāf, ‘Alī Akbar. “Khādān Dawlatshāhī dar Muwājajah bā ‘Uṣmānī”.

Faṣḥnāmih-yi Tāriḥ-i Ravābit-i Khārijī. yr. 16, no. 63 (2016/1394): 57-80.

Khānāy Qubādī. *Shirīn wa Khasraw*. researched by Muḥammadī Malā Karīm. Baghdād: Chāpkhāniy Kurī Zāniyārī Kūrd, 1975/1353.

Khāvarī Mirzā Faḥl Allāh Shirāzī. *Tāriḥ Zu al-Qarnayn*. Ed. Nāsir Afshārfar. Tehran: Sāzimān-i Chāp va Intishārāt Vizārat Farhang va Irshād-i Islāmī, 2002/1380.

Khūrmūjī, Mirzā Muḥammad Ja'far Khān Ḥaqāyiqnigār. *Nuzhat al-Akhhār*. ed. Sayyid 'Alī Āl Dāvūd. Tehran: Kitābkhānah Mūzah va Markaz-i Asnād Majlis Shūrāy Millī, 2001/1380.

Kishāvarz, Ardishīr. *Zindigī va Zamāmah-yi Shāhādih Muḥammad 'Alī Mirzā-y Dawlatshāh*. Kirmānshāh: Nāshr Mū'alif, 2016/1395.

Kishāvarz, Ardishīr. *Zindigān 'Arshāh 'Ishq*. Kirmānshāh: Intishārāt Tāq Bustān, 2003/1382.

Kishāvarz, Ardishīr. *Zindigī va Zamāmah-yi Imām Qulī Mirzā 'Imād Dawlah*. Kirmānshāh: Nashr Sarānih, 2021/1400.

Mustawfī, 'Abd Allāh. *Sharḥ Zindagānī man*. Tehran: Nashr Zavvār, 1965/1343.

Muṭallibī, Muṭallib. *Īlāt Kirmānshāhān va Naqsh ān-hā dar Qushūn Irān 'Aṣr Qājār*. Tehran: Sāzimān-i Asnād va Kitābkhānah-yi Millī Jumhūrī Islāmī Irān. 2016/1395.

Nāsir al-Dīn Shāh. *Shahriyār Jādih-hā Safarnāmah-yi Nāsir al-Dīn Shāh bi 'Atabāt*. researched by Muḥammad Rizā 'Abbāsī va Parvīz Badī'ī. Tehran: Asnād-i Millī Irān, 1994/1372.

Nūrī, Ja'far. "Awzā' Siyāsī Kirmānshāh dar Aṣr-i Ṣafaviyah bā Tikyah Bar Īl Zanganah". *Tāriḥ Pazuhī*. Yr. 11, no. 40-41 (2009/1388): 39-52.

Otter, Jean. *Safarnāmah Jean Otter*. translated by 'Alī Iqbālī. Tehran: Intishārāt-i Javidān. 1984/1363.

Quzidih Asnād Siyās Irān va 'Uṣmānī: Dawrah-yi Qājāriyah. Vāhid Nashr Asnād, Tehran: Daftar Muṭālī'āt Siyāsī va Bayn al-Milālī, 1990/1369.

Rizā Qulī Mirzā. *Safarnāmah*. researched by Aṣghar Farmānfarmāyī Qājār. Tehran: Intishārāt-i University of Tehran, 1968/1346.

Sanjābī, Karīm. *Īl-i Sanjābī va Mujāhidāt Millī Irān (Khāṭirāt Sardār Muqtadir Sanjābī)*. Tehran: Intishārāt Pardīs Dānish, 2014/1393.

Sipīhr, Muḥammad Taqī. *Nāsikh al-Tawāriḥ*. researched by Jamshīd Kiyānfār. Tehran: Intishārāt-i Asāṭir, 1998/1377.

- Sulṭānī, Muḥammad ‘Alī. *Hadiqa Sulṭānī*. Tehran: Mū’assisa-yi Farhangī Nashr Suhā, 2007/1386.
- Sulṭānī, Muḥammad ‘Alī. *Jughrāfiyā-yi Tārikhī va Tārikh-i Mufaṣṣal Kirmānshāhān (Īlāt va Tavāyif)*. Tehran: Mū’alif, 1993/1372.
- Sulṭānī, Muḥammad ‘Alī. *Jughrāfiyā-yi Tārikhī va Tārikh-i Mufaṣṣal Kirmānshāhān*. Tehran: Mū’assisa-yi Farhangī Nashr Suhā, 2002/1381.
- Sulṭānī, Muḥammad ‘Alī. *Qiyām va Nahzat ‘Alaviyān Zāgrus*. Tehran: Mū’assisa-yi Farhangī Nashr Suhā, 1997/1376.
- Sulṭānī, Muḥammad ‘Alī. *Tārikh Tashayyu’ dar Kirmānshāh*. Tehran: Intishārāt-i Suhā, 2001/1380.
- Tunukābunī, Muḥammad ibn Sulaymān. *Qiṣaṣ al-‘Ulamā’*. researched by Muḥammad Rizā Barzīgar va ‘Ifat Karbāsī. Tehran: Nashr ‘Ilmī va Farhangī. 2011/ 1389.
- Vaḥīd Qazvīnī, Mīrzā Muḥammad Ṭāhīr. *Tārikh Jahānārāy ‘Abbāsī*, ed. Sayyid Sa‘īd Mīr Muḥammad Ṣādiq. Tehran: Pazhūhishgāh-i ‘Ulūm-i Insānī va Muṭāli‘āt-i Farhangī, 2004/1383.
- Vālih Qazvīnī, Muḥammad Yūsuf. *Irān dar Zamān Shāh Ṣafī va Shāh ‘Abbās Duvvūm*. ed. Muḥammad Rizā Naṣīrī. Tehran: Anjūman ‘Āṣār va Mafākhir Farhangī, 2003/1382.
- Wills, Charles James. *Irān dar Yik Qarn pish*. translated by Ghulām Husayn Qarāgūzlū, Tehran: Intishārāt-i Iqbāl, 1989/1368.